

سرشناسه	: خاتون آبادی، میر محمد حسین بن میر محمد صالح - ۱۱۵۱ ق.
عنوان و نام پدید آور	: مفتاح الفرج: (در بیان انواع استخاره، آداب و روش های آن) یا مقدمه ای از مصحح پیرامون: ماهیت استخاره، حکمت ها، شرایط، شبهات و موارد آسیب شناسی آن / مؤلف محمد حسین بن محمد صالح خاتون آبادی: تصحیح و مقدمه از حمید احمدی جلفایی، یا همکاری ذبیح الله احمدی.
مشخصات نشر	: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۴ ص شابک: ۰-۲۸۰-۹۷۳-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص [۱۹۵]-۲۰۴: همچنین به صورت زیر نویس.
یادداشت	: نمایه.
یادداشت	: استخاره.
شناسه افزوده	: احمدی جلفایی، حمید، ۱۳۵۷ - مصحح
شناسه افزوده	: احمدی گورچی، ذبیح الله، ۱۳۲۹ - مصحح
شناسه افزوده	: مسجد مقدس جمکران (قم)
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ۲۷/۵/۲۷۲ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۷۹۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۱۰۲۸۶۲



فصلنامه علمی و پژوهشی

مفتاح الفرج

در بیان انواع استخاره، آداب و روش های آن

- ◀ مؤلف: محمد حسین خاتون آبادی
- ◀ تصحیح و مقدمه: حمید احمدی جلفایی
- ◀ حروف نگار و صفحه آرا: امیر سعید سعیدی
- ◀ امور چاپ: اصغر بخشایش
- ◀ ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران
- ◀ چاپخانه و شمارگان: وفا / ۲۰۰۰ جلد
- ◀ نوبت و تاریخ چاپ: اول / زمستان ۱۳۸۹
- ◀ قیمت: ۱۶۰۰ تومان
- ◀ شابک: ۰-۲۸۰-۹۷۳-۹۶۴-۹۷۸
- ◀ مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدس جمکران
- ◀ تلفن و نمابر: ۰۲۵۱-۷۲۵۳۳۴۰، ۷۲۵۳۷۰۰
- ◀ قم - صندوق پستی: ۶۱۷

مفتاح الفرج

(در بیان انواع استخاره، آداب و روش های آن)

با مقدمه ای از مصحح پیرامون: ماهیت استخاره، حکمت ها،

شرایط، شبهات و موارد آسیب شناسی آن

مؤلف:

علامه محمد حسین بن محمد صالح خاتون آبادی رحمته الله

(م ۱۱۵۱ هـ)

تصحیح و مقدمه از:

حمید احمدی جلفایی

با همکاری:

ذبیح الله احمدی

فهرست مطالب

۷	 مقدمه مصحح
۸	 □ استخاره در لغت عرب
۹	 □ مراد از استخاره در فرهنگ اسلامی
۱۱	 □ انواع استخاره خاص
۱۲	 □ سنت استخاره خاص، قابل انکار نیست
۱۴	 □ پیشینه تألیفات و تصنیفات در خصوص استخاره
۲۰	 □ ماهیت استخاره خاص و محدوده آن
۲۶	 □ تفاوت میان استخاره و تقال
۳۲	 □ حکمت استخاره
۴۰	 □ چند شبهه اساسی پیرامون استخاره
۵۰	 □ شرایط و اصول اساسی استخاره
۵۴	 □ آسیب شناسی استخاره
۵۹	 □ معرفی اثر حاضر
۶۷	 □ روش تحقیق

۶ مفتاح الفرج

مقدمه مؤلف ۷۱

مفتاح اول: در بیان [نحوه] استخاره به جناب اقدس حق تعالی ۷۵

مفتاح دوم: در بیان نوع دوم استخاره ۱۰۳

مفتاح سوم: در بیان استخاره به عنوان استشاره ۱۱۵

مفتاح چهارم: در بیان استخاره به قرآن مجید است ۱۲۷

مفتاح پنجم: در بیان استخاره به تسبیح است ۱۳۹

مفتاح ششم: در بیان استخاره ذات الرقاع است ۱۴۷

مفتاح هفتم: در بیان اقسام غیر مشهوره ذات الرقاع ۱۵۷

مفتاح هشتم: در باب استخاره به بنادق است ۱۶۲

تذنیب ۱۷۱

فهارس ۱۷۳

منابع و مأخذ ۱۹۵

مقدمه مصحح

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي بيده الخير، ولا يريد لعباده إلا الخير، وصلى الله على خير خلقه محمد وآله الطاهرين.

موضوع «استخاره»، از جمله موضوعاتی است که در نزد عموم فرقه‌های اسلامی، مورد پذیرش واقع شده و هم نوع عام آن و هم انواع خاصش، با توجه به حجم زیاد روایات موجود در این زمینه، وجود نوعی اجماع از ناحیه محققان شیعه و سنی، به هیچ وجه، قابل انکار نیست. اما وجود برخی بداندگاری‌ها و افراط‌های صورت گرفته و همچنین قصور مبلغان و محققان اسلامی در تبیین چستی استخاره و حدود و حکمت‌ها و شرایط و موارد آسیب‌شناسی آن، باعث شده تا برخی از مردم، نسبت به این سنت حسنه بدبین شوند و شبهاتی در مورد آن، همچنان در اذهان پیروان مکتب اسلام باقی بماند.

کتاب حاضر، یکی از قدیمی‌ترین آثار اسلامی و شیعی است که متعلق به اوایل قرن دوازدهم هجری قمری می‌باشد و نویسنده آن،

مرحوم علامه میر محمد حسین خاتون آبادی (م ۱۱۵۱ هـ) سعی نموده است تا در آن، به بیان آداب و روش های استخاره از دیدگاه معصومین علیهم السلام بپردازد.

اما از آن جهت که ما احساس نمودیم برخی از مباحث جانبی مربوط به استخاره، از جمله حکمت ها، شرایط، آداب و آسیب شناسی آن، مهم تر از خود استخاره و انواع آن می باشد، فلذا تصمیم گرفتیم تا تحقیقی نسبتاً سزاوار در این خصوص، انجام داده و نتایج آن را در ضمن تصحیح این اثر شریف، به عنوان مقدمه، منعکس نماییم و امیدواریم که این زحمت مختصر بتواند تا حدودی به سؤالات مطرح شده در ذهن خوانندگان گرامی، پاسخ قانع کننده ارائه دهد.

□ استخاره در لغت عرب

«استخاره» در لغت عرب از ماده «خیر» گرفته شده و از باب استفعال است. این واژه، در اصل «استخیار» بوده، که عین الفعل آن حذف شده و تاء به عوض محذوف، در آخرش افزوده شده است.

همان گونه که در میان عالمان و دانشمندان ادبیات عرب، معروف است: «باب الاستفعال یغلب فیه طلبُ الفعل»؛ یعنی باب استفعال، غالباً به معنای طلبِ فعل به کار می رود؛ بنابراین، استخاره در اصل، به معنای طلبِ خیر نمودن از کسی می باشد.^۱

□ مراد از استخاره در فرهنگ اسلامی

در بسیاری از احادیث اسلامی (اعم از احادیث شیعه و اهل سنت) به انواع مختلف استخاره توصیه شده است که در این کتاب، بیشتر آن‌ها آورده می‌شود. مجموعه این احادیث، فرهنگ استخاره را در اسلام شکل می‌دهند.

به طور کلی در احادیث مربوط به استخاره، واژه استخاره، معمولاً به دو معنا و یا مفهوم مختلف، به کار رفته است: معنای عام، و معنای خاص.

معنای نخست

در دسته‌ای از احادیث دیده می‌شود که در آن‌ها، به صورت مطلق، به طلب خیر نمودن از خداوند در همه امور و کارها، توصیه شده است. بدین معنا که بهتر است مؤمن، در همه کارها و تصمیمات خود، از خداوند متعال، طلب خیر بکند؛ چرا که عاقبت و فرجام همه امور در قبضه قدرت اوست.

بنابراین این نوع از استخاره، به زمان، یا مکان و یا موقعیت خاصی اختصاص ندارد، بلکه مطابق آن، در هر زمان و مکانی و در هر کاری (چه قبل از اقدام به آن کار و چه در حین انجام و چه بعد از آن) مؤمن باید به خداوند متعال توکل نموده و از او طلب خیر نماید و در قلب و نیت و عمل خود، عاقبت کارش را به او بسپرد و از او بخواهد تا پایان، امورش را به خیر و سعادت ختم نماید.

در این جا به ذکر سه نمونه از روایاتی که به این نوع از استخاره، تشویق نموده‌اند می‌پردازیم:

۱. شیخ صدوق در کتاب مقنعه، به نقل از امام صادق چنین می‌آورد: «يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: مِنْ شِقَاءِ عَبْدِي أَنْ يَعْمَلَ الْأَعْمَالَ وَلَا يَسْتَخِيرُ بِي؛ خدایوند متعال فرموده است: از نشانه‌های بدبختی بنده من؛ آن است که کارهای خود را انجام دهد و از من طلب خیر نکند».^۱

۲. برقی، در کتاب محاسن، به سند خود از امام صادق عليه السلام چنین نقل می‌کند: «مَنْ دَخَلَ فِي أَمْرِ بَعْثِ اسْتِخَارَةٍ، ثُمَّ ابْتَلَى، لَمْ يُؤْجَرْ؛ هر کس در کاری وارد شود بدون طلب خیر از خداوند، و سپس به بلایی در مورد آن گرفتار شود، اجری در مقابل آن بلا نمی‌برد».^۲

۳. سید بن طاووس رحمه الله در کتاب فتح الأبواب، به نقل از مفضل، و او از امام صادق عليه السلام چنین نقل نموده است: «مَا اسْتَخَارَ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - عَبْدٌ مُؤْمِنٌ إِلَّا خَارَ لَهُ؛ هیچ بنده مؤمنی در کاری از خداوند طلب خیر نمی‌کند، مگر آنکه خداوند به او خیر می‌رساند».

برخی از محققان اسلامی، مراد از استخاره را تنها همین نوع از استخاره دانسته و قسم دوم از استخاره را که بعد از این بیان خواهد شد، نپذیرفته‌اند.

معنای دوم

معنای خاص استخاره است که روایات بسیار زیادی در منابع حدیثی فریقین (شیعه و سنی)، در بیان آداب و روش های مختلف آن صادر شده و نمی توان اصل آن را انکار نمود، و بحث اصلی ما در این نوشته نیز، همین نوع از استخاره می باشد.

در این نوع از استخاره، شخص مؤمن، با انجام یک سری اعمال و روش های صوری و نمادین، در پی این است که بداند آیا کاری را که می خواهد انجام دهد، به خیر او تمام خواهد شد یا نه، و یا آیا آن کار خاص را انجام بدهد یا نه؟ البته پر واضح است که در این نوع از استخاره نیز، صدق نیت و توسل قلبی و ارتباط عمیق با عالم معنا، موجب افزایش کیفیت آن خواهد گردید؛ ولی از آن جهت که توأم با یک سری اعمال ظاهری می باشد، به آن استخاره خاص گفته نیز می شود.

این قسم از استخاره، معمولاً در میان عموم مردم مداول است و بسیاری از مردمان مسلمان، در برخی از کارهای خود، به این سنت حسنه، متمسک می گردند.

انواع استخاره خاص

به طور کلی در روایات اسلامی، روش های مختلفی برای استخاره خاص ذکر شده است که ما در این بخش از مقدمه، تنها به عناوین آنها

اشاره می‌کنیم و توضیح و تفصیل هر کدام را به متن اصلی همین کتاب
و اگذار می‌کنیم:

- ۱- استخاره با قرآن کریم.
- ۲- استخاره با تسبیح.
- ۳- استخاره با رقعہ.
- ۴- استخاره با نماز و دعا.
- ۵- استخاره با بندق.
- ۶- استخاره با سنگریزه.
- ۷- استخاره به روش مشورت با کسی (استشاره).

□ سنّت استخاره خاصّ، قابل انکار نیست

همان گونه که قبلاً اشاره شد، با توجه به حجم زیادی از روایات شیعه و اهل سنّت (که در آن‌ها به این نوع از استخاره، به عنوان یک سنّت حسنه، توصیه شده است) نمی‌توان مراد از سنّت استخاره را تنها «استخاره عام» دانست و استخاره به قرآن و تسبیح و رقعہ و مانند آن را انکار نمود، هر چند که عده‌ای از محققان، در لابلاي نوشته‌های خود، به نحوی، این نوع از استخاره را زیر سؤال برده‌اند. البتّه برخی از آن‌ها، خواسته‌اند بگویند که: استخاره قسم اول - یعنی استخاره عام - بهتر و با فضیلت‌تر از استخاره خاص است و به عبارتی دیگر: بهتر آن است که انسان، به آن نوع از استخاره بیشتر متوسّل شود، و آن‌ها در واقع، به

مقایسه دو نوع از استخاره پرداخته‌اند، ولی برخی از نویسندگان، از کلام آن‌ها، به اشتباه، معنی انکار ورد را فهمیده‌اند. به هر حال، ما هم قبول داریم که اگر مؤمن بتواند خود را به استخاره نوع عام، متّصف گرداند، به این معنی که در هر مکانی و در هر زمانی، و در هر حالی، و در هر کاری (چه در کارهای ریز و بی‌اهمیت و چه کارهای مهم و اساسی) در دل و زبانش، همواره خیر خود را از خداوند طلب نماید و عاقبت امر خود را به او بسپارد، بسیار نیکو بوده و این مقام، مقامی بس بلند است. ولی این دلیل نمی‌شود که ما استخاره نوع خاص را انکار نموده و یا اصل آن را زیر سؤال ببریم.

برخی دیگر از محققان نیز، با مشاهده افراط‌ها و کج فهمی‌ها و سوء استفاده‌های موجود در خصوص استخاره خاص، نسبت به آن بدبین شده و به انکار آن پرداخته‌اند، و بدیهی است که ما نیز قبول داریم که این کج فهمی‌ها و سوء استفاده‌ها و افراط‌ها در این زمینه وجود دارد، همان گونه که در مورد برخی دیگر از سنت‌های اسلامی نیز این بدفهمی‌ها وجود دارد، و نیز قبول داریم که در خصوص این مقوله، این کج فهمی‌ها، رنگ زیاده‌تری به خود گرفته است. و در این مقدمه، به شرح و توضیح مفصل این مقوله خواهیم پرداخت. ولی واضح است که این گونه مسائل، دلیل نمی‌شود تا کسی اصل سنت «استخاره خاص» را زیر سؤال ببرد.

❑ پیشینه تألیفات و تصنیفات در خصوص استخاره

تألیفات و تصنیفاتی که در طول تاریخ اسلام، در مورد استخاره و طرق آن نوشته شده، معمولاً به یکی از این دو صورت می‌باشند:

صورت اول: در قالب بخش‌ها و یا فصولی عمده از مجموعه‌های

فقهی و روایی و یا دعایی می‌باشد که از این قسم، از میان منابع شیعی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: المحاسن برقی (ج ۲، ص ۵۹۸). الکافی

کلینی (ج ۳، ص ۴۷۰). فقه الرضا علیه السلام ابن بابویه (ج ۳، ص ۱۵۲). من

لایحضره الفقیه شیخ صدوق (ج ۱، ص ۵۶۲). المقنع شیخ صدوق (ج ۱،

ص ۱۵۱). التهذیب شیخ طوسی (ج ۷، ص ۴۰۷). مصباح المنتهجد شیخ

طوسی (ج ۷، ص ۵۳۳). المقنعة شیخ مفید (ص ۲۱۶، و ۵۱۴). الإشراف

شیخ مفید (ص ۲۹). مکارم الأخلاق طبرسی (ص ۲۵۵، ۳۱۸، ۳۲۱ و...).

وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی (ج ۳، ص ۳۳۴ و ج ۶، ص ۲۳۳ و ج ۸، ص ۶۳

و...). بحار الأنوار علامة مجلسی (ج ۸۸، ص ۲۲۲ و ج ۹۸، ص ۲۸۵).

و در میان کتب اهل سنت، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: سنن ابن

ماجه (ج ۱، ص ۴۴۰)، سنن أبی داود (ج ۱، ص ۳۴۳)، سنن الترمذی (ج ۱،

ص ۲۹۸)، سنن النسائی (ج ۶، ص ۸۰)، سنن البیهقی (ج ۳، ص ۵۲؛ و ج ۵،

ص ۲۴۹؛ و ج ۷، ص ۲۴۷ و...)، مجمع الزوائد هیثمی (ج ۲، ص ۲۷۹؛ و ج ۱۰،

ص ۱۸۷)، تحفة الأخوذی (ج ۲، ص ۴۸۲)، المصنّف صنعانی (ج ۱۱، ص ۱۶۴)،

الأدب المفرد بخاری (ص ۱۵۲)، الأذکار النوویة (ص ۱۲۰ و ۲۱۴).

و صورت دوم: آثاری هستند که در آن‌ها مستقلاً به موضوع استخاره پرداخته شده است. موارد مهم این قسم از آثار، عبارت‌اند از:

۱. کتاب الاستخارة محمد بن يعقوب كليني. [معالم العلماء، ص ۱۳۵]
۲. الاستخارة محمد بن مسعود عياشي. [رجال نجاشي، ص ۵۳۲ و ۹۴۴]
۳. كتاب الاستخارة والاستشارة احمد بن سليمان بصري شافعي، معروف به زبيري (۳۱۷ ق). [كشف الظنون، ج ۲، ص ۱۳۸۹؛ معجم المؤلفين، ج ۱، ص ۲۳۷]
۴. رسالة الاستخارة محمد بن علي طايبي حاتمي اندلسي، مشهور به ابن عربي و شيخ اكبر (۶۴۸ ق). [هدية العارفين، ج ۲، ص ۱۱۴]
۵. فتح الأبواب بين ذوي الألباب وكتاب رب الأرباب في الاستشارات سيد بن طاووس حسني (۶۶۴ ق). [چاپ شده]
۶. الإنارة والاستشارة في مسألة الاستخارة قوام الدين مرعشي حسيني، معروف به مير بزرگ (۷۸۰ ق). [معجم المؤلفين، ج ۸، ص ۱۳۴]
۷. مفاتيح الغيب في الاستخارة والاستشارة، مؤلف نامعلوم. [تأليف شده در سال ۸۶۸ ق - البلد الأمين، ص ۱۱۵]
۸. الاستشارات از شاگردان شيخ ناصر بن احمد بن متوج بحراني، معاصر شيخ ابن فهد حلي (۸۴۱ ق). [الذريعة، ج ۲، ص ۱۹، رقم ۵۶]
۹. رسالة في الاستخارة شيخ محمد بن محمود مغلوي وفايي (۹۴۰ ق). [كشف الظنون، ج ۱، ص ۸۴۴]

۱۰. مشکاة الاستنارة في معنى حديث الاستخارة عبد البر بن عبد القادر بن

محمد فيومي حنفی (۱۰۷۱ ق). [ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۴۸۷]

۱۱. مفاتیح الغیب^۱ في الاستخارة علامه محمد باقر مجلسی (۱۱۱۰ ق).

[چاپ شده]

۱۲. الاستخارات احمد بن عبد السلام بحرانی [الذريعة، ج ۲، ص ۱۹،

رقم ۵۵]

۱۳. المنارات الطاهرة في الاستخارات المأثورة عن العترة الطاهرة شيخ ابو

الحسن سليمان بن عبد الله ماحوزي بحرانی (۱۱۲۱ ق). [موجود در

کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی - قم، شماره ۱۹۴، رساله ششم]

۱۴. البشارة لطلاب (طلاب) الاستخارة شيخ احمد بن صالح درازی

بحرانی (۱۱۲۴ ق). [موجود در کتابخانه مسجد اعظم قم، شماره

۱۴۱۸، رساله سوم]

۱۵. رساله ای در استخاره محمدتقی بن ابی المعالی خادم متطبیب

انصاری (ق ۱۱). [موجود در خزانه کتابخانه آستان قدس رضوی در

مشهد مقدس، شماره ۱۱۷۰۶]

۱۶. رساله في آداب (کیفیت) الاستخارة شيخ علی بن یوسف بن علی بن

محمد عاملی (قرن ۱۱). [موجود در کتابخانه مدرسه باقریه مشهد،

شماره ۳۲۲، رساله دوم]

۱. تحقیق چنین است، ولی در برخی از فهراس: «مفاتیح الغیب» عنوان شده است.

۱۷. الإنارة عن معاني الاستخارة (رسالة في الاستخارة) محمد بن محمد محسن فيض كاشاني، معروف به علم الهدى (۱۱۱۵ ق). [موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران، شماره ۳۸۵۷]

۱۸. مفتاح الفرج علامه محمد حسين بن محمد صالح خاتون آبادی (۱۵۱ ق). [کتاب حاضر]

۱۹. رسالة في عدم التوكيل في الاستخارة سيد شبر بن محمد بن ثنوان حویزی نجفی (۱۱۹۰ ق). [الذريعة، ج ۱۵، ص ۲۳۶، رقم ۱۵۳۵]

۲۰. هداية المسترشدين في الاستشارة والاستخارة حسن بن محمد صالح نصیری طوسی. [الذريعة، ج ۲۵، ص ۱۹۲ رقم ۲۱۲]

۲۱. التحفة الباقية در استخاره امانت علی عبد الله پوری مولوی، از شاگردان دلداری علی. [صاحب الذريعة، ج ۳، ص ۴۲۳، رقم ۱۵۲۹]

۲۲. إرشاد المستبصر في الاستخارات سيد عبد الله شبر (۱۲۴۲ ق) [چاپ شده]

۲۳. رسالة في الاستخارة از جعفر بن عبد الله شبر حسینی (قرن ۱۳) [موجود در کتابخانه دانشکده الهیات تهران، شماره ۲۴، رساله اول]

۲۴. خيرة الطير احمد بن سالم بن عيسى بحرانی. [کشکول شيخ يوسف بحرانی، ج ۲، ص ۱۱۵؛ الذريعة، ج ۷، ص ۲۸۷، رقم ۱۰۴۸]

۲۵. روائح الغيب في رفع التردد والريب عبد النبي بن عبد الرزاق (ح ۱۲۶۴ ق). [الذريعة، ج ۱۱، ص ۲۵۵، رقم ۱۵۵۸]

١٨.....مفتاح الفرج

٢٦. عنوان الصواب في أقسام الاستخارة من الائمة الأطياب حاج محمد كريم
خان بن ابراهيم كرماني (١٢٨٨ق). [موجود در كتاب خانه مرعشي - قم،
شماره ٤٨٩٩]

٢٧. مصباح المستخير محمود بن محمد بن محمد علوي فاطمي
حسيني تيريزي، معروف به حافظ و سلطان القراء (١٢٩٨ق). [موجود
در كتاب خانه كاخ سلطنتي تهران، شماره ٩٦٠]

٢٨. رساله‌اي در استخاره ميرزا محمد جواد دارابي (مولود ١٣٠٩ق).
[الذريعة، ج ١، ص ٦٥، رقم ٤٠٣]

٢٩. الاستخارات سيد علي بن محمد بن علي حسيني ميدي يزدی
(١٢١٣ق). [الذريعة، ج ٢، ص ١٩، رقم ٥٩]

٣٠. الاستخارات ميرزا ابو المعالي بن حاج محمد بن ابراهيم كلباسي
(١٣١٥ق). [الذريعة، ج ٢، ص ١٨، رقم ٥٣]

٣١. الاستخارات ميرزا محمد حسين مرعشي، مشهور به شهرستاني
(١٣١٥ق). [الذريعة، ج ٢، ص ١٩، رقم ٥٧]

٣٢. خيرة الطيور في التفؤل حاج ميرزا محمد حسين شهرستاني
(١٣١٥ق). [الذريعة، ج ٧، ص ٢٨٧، رقم ١٠٤٩]

٣٣. أرجوزة في أوقات الاستخارة علامه شيخ جواد بن شيخ علي جامعي
نجفي (١٣٢٢ق). [الذريعة، ج ١، ص ٤٦٣، رقم ٢٣١٨]

٣٤. تشريح الخيرة في الاستخارات سيد عبد الحسين بن عبد الله بن رحيم

موسوی دزفولی، معروف به لاری (۱۳۳۰ ق). [الذریعة، ج ۴، ص ۱۸۹، رقم ۹۴۳]

۳۵. منهاج المستخیر سیّد محمد حسین بن کاظم حسینی تبریزی، مشتهر به حاج میرزا سلطان القراء (۱۳۵۰ ق). موجود در کتابخانه آستانه رضوی - مشهد، شماره ۳۴۳۸]

۳۶. مفتاح الغیب و مصباح الوحي سیّد مهدی غریفی (۱۳۴۳ ق). [الذریعة، ج ۲۱، ص ۳۳۷، رقم ۵۳۶۲]

۳۷. دلائل الغیب فی الاستخارات سیّد ابو القاسم بن محمد طباطبایی (۱۳۶۱ ق). [الذریعة، ج ۸، ص ۲۵۲، رقم ۱۰۳۶؛ موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج ۲، ص ۵۷۱]

۳۸. رساله در استخاره محمد علی بن حسن حائری سنقری (۱۳۷۸ ق). [موجود در کتابخانه مرحوم طبسی حائری - قم، شماره ۴۰، به خط مؤلف، رساله دوم]

۳۹. ثوره فی عالم الفلسفه شیخ حمید خالصی. [چاپ شده]

۴۰. حول الاستقسام بالأزلام والاستخاره آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی. [چاپ شده]

۴۱. طریقه استخاره دانیال پیغمبر، مؤلف نامعلوم [موجود در کتابخانه ملک تهران، رساله نهم از مجموعه ۳۲۰۴]

۴۲. جدول استخاره منسوب به حضرت امیر علیه السلام، مؤلف نامعلوم. [موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، رساله ۲۰ از مجموعه ۶۳۲۴]

۲۰..... مفتاح الفرج

۴۳. استخاره محمد ابراهیم. [موجود در کتابخانه مرعشی - قم،

رساله هفدهم از مجموعه شماره ۱۲۶۷۷]

۴۴. استخاره به قرآن، مؤلف نامعلوم (سده ۱۳ ق). [موجود در

کتابخانه مرعشی - قم، رساله چهارم از مجموعه شماره ۱۳۳۹۳]

۴۵. استخاره، مؤلف نامعلوم. [موجود در کتابخانه ملک تهران،

رساله هفتم از مجموعه ۶۴۶۵]

۴۶. استخاره ودعای کسوف، مؤلف نامعلوم (۶۰۶۹ ق). [موجود در

کتابخانه آیت الله گلپایگانی، رساله اول از مجموعه ۱۹/۱۷۷]

ماهیت استخاره خاص و محدوده آن

به نظر نگارنده، اولین و مهم ترین نکته ای که بایستی در زمینه استخاره خاص، مورد بحث و کاوش قرار بگیرد و در این مسئله، بسیاری از کاربران استخاره و یا حتی برخی از محققان و نویسندگان نیز، به اشتباه افتاده اند، تبیین ماهیت این نوع از استخاره است.

به عبارتی دیگر، سؤال اساسی در این زمینه این است که: استخاره کننده، از دست یازیدن به این سنت حسنه، چه منظوری و یا چه توقعی باید داشته باشد؟ و یا به دنبال چه چیزی باید باشد؟ و یا به عبارتی ساده تر، خاصیت اصلی استخاره خاص در چیست؟

آنچه که امروزه در میان استخاره کنندگان و روی آورندگان به این سنت حسنه، متداول است، این است که افراد استخاره کننده (چه در

استخاره به قرآن کریم و چه غیر آن همچون تسبیح و رقععه) در بیان نتیجه استخاره، معمولاً از الفاظ و تعبیرهای گوناگونی، مثل «خوب و بد» و یا «حیثاً» «میان»، و یا «خیر و شر»، و یا «نتیجه دارد» و «نتیجه ندارد»، و یا «مصلحت است» و «مصلحت نیست»، و یا «پشیمانی دارد» و «ندارد»، و یا «اقدام کن» و «اقدام نکن»، و مانند آن استفاده می‌کنند. و یا دسته‌ای دیگر از استخاره کنندگان (که عمدتاً از کسانی هستند که مورد مراجعه مردم در امر استخاره واقع می‌شوند) پا را فراتر نهاده و توضیحاتی نیز در هنگام استخاره، ارائه می‌دهند. و این توضیحات، عمدتاً دو نوع هستند: در برخی از موارد، مفهوم برخی از توصیه‌های عمومی قرآن، به همان نحو موجود، به استخاره کننده بازگو می‌شود، توصیه‌هایی همچون: «به خدا توکل کن»، «احتیاط کن»، «دعا کن»، «از غیر خدا ترس»، و مانند آن. ولی در برخی از موارد دیگر، دیده شده که برخی از استخاره کنندگان، مطالب خاصی را از گذشته شخص و یا آینده او، به شخص مراجعه کننده بیان می‌کنند.

و این صورت اخیر، تنها در دو صورت، مانعی ندارد: صورت اول این که استخاره‌گر، مطالبی را از سیاق آیات استنباط کند و به طرف بگوید. و صورت دوم این که استخاره‌گر، در کنار استخاره به آیات، از نیروی باطنی و شهودی خود کمک گرفته و مطالبی را بیان کند.

و روشن است که صورت دوم، تنها مخصوص اولیای الهی و اهل

دل است که قدرت لازم برای این امر را داشته باشند، هر چند که برخی از استخاره کنندگان عوام فریب نیز، گاهی با تظاهر به این قدرت و عنوان، مغازه زده و به کاسبی می‌پردازند.

برخی از محققان و صاحب نظران، چند قسم آخر از بیان نتیجه در استخاره را (که در آن‌ها، فراتر از اقدام و یا عدم اقدام، توضیحات دیگری داده می‌شود) به نوعی «تفأل به قرآن» معرفی کرده و این کار را مطلقاً حرام دانسته‌اند.

بنابراین، با توجه به مطالبی که تا به حال گفته شد، سه سؤال اساسی در تبیین ماهیت استخاره خاص، مطرح است:

۱. استخاره کننده تا چه اندازه می‌تواند در مورد نتیجه کار مورد نظر

خود، از قرآن و یا سایر روش‌های استخاره، اطلاع حاصل نماید؟

۲. معنی خوب و یا بد، در استخاره چیست؟ آیا به معنی آن است که

اگر (مثلاً) خوب آمده، قطعاً آن کار به نتیجه خواهد رسید و یا استخاره

کننده حتماً به نتیجه مورد نظر خود، دست خواهد یافت؟ و آیا هیچ

گونه سختی و بلا و یا مانعی، در کار نخواهد بود؟

۳. اطلاعاتی که برخی از استخاره کنندگان، در بیان نتیجه استخاره،

از گذشته و یا آینده شخص و یا از نحوه انجام کار مورد نظر و نتیجه آن،

بیان می‌کنند، چه حکمی دارد؟

به نظر نگارنده، پر واضح است که در جواب این سؤالات،

نمی‌توان تنها با تکیه بر تجربه افراد مختلف استخاره کننده، سخن گفت، همان گونه که نمی‌توان تنها با تکیه بر مجموعه روایات آمده در این مقام، نتیجه قطعی گرفت؛ چرا که

اولاً، هر چند که استخاره کنندگان، در برخی از موارد، امثال این توضیحات را مطابق با واقع یافته و به صحت اظهارات استخاره گر یقین پیدا می‌کنند؛ ولی در بسیاری از موارد نیز اتفاق می‌افتد که آن‌ها خلاف این اظهارات را دریافته و در نتیجه، به اصل این سنت حسنه، بدبین می‌شوند.

و ثانیاً بیشتر روایات موجود در این زمینه، تنها به بیان روش‌ها و آداب استخاره پرداخته‌اند و در خصوص چیستی و شرایط آن، به تصریح، سخن نگفته‌اند.

بنابراین، در جواب این سؤالات، علاوه بر بررسی عمیق عموم روایات موجود در این زمینه، و کشف مفاهیم و اشاره‌های ظریف موجود در متن آن‌ها، نباید از اصول مسلم دینی و عقلایی و موارد آسیب‌شناسی بحث، غافل شد.

به طور کلی، با بررسی همه جوانب قضیه (که تا به حال گفته شد) دو نکته اساسی در تبیین ماهیت و محدوده استخاره خاص، مسلم است:

نکته اول: در هیچ یک از روایت‌های موجود در زمینه استخاره خاص (که در متن اصلی این کتاب نیز، ذکر خواهد شد)، معصوم علیه السلام

در بیان نتیجه استخاره، توضیحی فراتر از اقدام کردن و یا اقدام نکردن، ارائه نداده است و یا حتی اشاره‌ای به نتیجه داشتن و یا نتیجه نداشتن، و یا پشیمانی داشتن و نداشتن، و یا مانند آن، نشده است؛ بلکه در همه آن‌ها، عمدتاً بحث از خیر بودن و یا نبودن، و یا اقدام نمودن و اقدام نمودن، و یا در نهایت، ترجیح فعلی بر فعل دیگر شده و فراتر از آن، خاصیت دیگری برای استخاره خاص، عنوان نگردیده است. به عبارتی دیگر، در همه روایت‌های مربوط به استخاره، نهایت آنچه که به عنوان نتیجه استخاره بیان گردیده این است که آیا استخاره کننده، آن کار مورد نظر را انجام بدهد یا نه؟ و یا احیاناً در برخی از آن‌ها، از عناوینی همچون: «خیر بودن» و یا «خیر نبودن» و یا «مصلحت بودن» و «مصلحت نبودن» و مانند آن، استفاده شده است، که محتوای آن‌ها نیز، فراتر از اقدام و یا عدم اقدام، چیز دیگری نیست.

نکته دوم: از عموم روایت‌های موجود، چنین استفاده می‌شود که استخاره گر نمی‌تواند نفع و یا ضرر مادی خود را در قبال کاری و یا تصمیمی، در استخاره کشف کند، بلکه آنچه که از استخاره کشف می‌شود، مجموع خیر و مصلحت دنیوی و اخروی او از اقدام کردن و یا نکردن است که در احادیث مربوط به استخاره، با الفاظی مثل «افعل» و «لا تفعل» و مانند آن بیان شده است. بنابراین ممکن است که کسی برای کاری استخاره کند و خوب بیاید، ولی پس از انجام آن، از لحاظ

مادی ضرر هم بکند و یا مانند آن، همان گونه که وجود نازنین امام صادق (علیه السلام) در حدیثی معتبر (در کتاب کافی) به این نکته تصریح می‌کند و می‌فرماید:

وَلْتَكُنْ اسْتِخَارَةُكَ فِي عَافِيَةٍ؛ فَإِنَّهُ رُبَّمَا خَيْرٌ لِلرَّجُلِ فِي قَطْعِ يَدِهِ،
وَمَوْتِ وَلَدِهِ، وَذَهَابِ مَالِهِ.^۱

یعنی: باید که استخاره تو در خصوص عافیت (و خیر) باشد؛ چرا که چه بسا خیر استخاره کننده، در قطع شدن دستش، و مرگ فرزندش و یا از بین رفتن مالش باشد (پس خداوند همان را برای او پیش می‌آورد و در استخاره او نیز همان را لحاظ می‌کند).

به عبارتی دیگر، همان گونه که سایر بلاها و مصیبت‌های وارد شده بر مؤمن در دنیا، حکمت و فلسفه متعالی دارد و باطن آن به خیر و صلاح مؤمن است، چه بسا که خداوند معال، با لحاظ همین حکمت‌ها، در استخاره استخاره کننده نیز، بلاهایی را لحاظ کند و مؤمن را به سمت آن‌ها سوق دهد، تا از برکات خاص بلا و مصیبت، او را بهره‌مند گرداند.

بنابراین از این روایت و مفهوم عموم روایت‌های دیگر، چنین برداشت می‌شود که معنی خوب آمدن در استخاره این نیست که استخاره کننده، در انجام آن کار حتماً به نتیجه مطلوب خودش می‌رسد

و یا هیچ ضرری نخواهد کرد و یا هیچ مصیبتی او را در نخواهد یافت، بلکه مراد از خوب بودن این است که آن تصمیم و یا آن کار مورد نظر، در نهایت و در مجموع، به صلاح دنیوی و اخروی مؤمن و به خیر و سعادت او ختم می شود، اگر چه ممکن است با بلاها و ضررهای مادی خاصی نیز پیچیده شده و به مؤمن هدیه گردد.

بنابراین با ملاحظه این شواهد، به نظر نویسنده، بهتر آن است که حتی از کلماتی مثل خوب و یا بد و یا میانه استفاده نشود، بلکه باید از عبارتهایی مثل «اقدام کردن» و «اقدام نکردن»، انجام یا ترک، خیر و یا عدم خیر، مصلحت و یا عدم مصلحت و مانند آن ها استفاده نمود که به نوعی مرتبط با خیر و صلاح دنیایی و آخرتی مؤمن است و مجموع صلاح و سعادت او در آن ها منعکس شده است.

□ تفاوت میان استخاره و تَفَّال

در بیشتر روایت های مربوط به استخاره، از واژه تَفَّال نیز استفاده شده و به نوعی معادل و مترادف و هم ردیف با واژه استخاره استعمال گردیده است. بنابراین، در هیچ یک از روایت های مربوط به استخاره، واژه تَفَّال، مورد نهی و یا مذمت واقع نگردیده است، به جز یک روایت مرسل که در کتاب کافی از امام صادق نقل گردیده و در آن، امام علیه السلام به صورت مطلق، فرموده اند:

لَا تَقَالُ بِالْقُرْآنِ^۱

یعنی: به قرآن، تفأل مکن.

بنابراین اگر به این روایت مرسل و ضعیف که نظیر دیگری ندارد، اعتنا نکنیم، در نگاه اول، شاید بتوان گفت که: استخاره و تفأل در مورد قرآن، هیچ تفاوتی با هم ندارند و هر دو در حقیقت، یک چیز هستند، همان گونه که در اکثر روایت‌های آمده، این مسئله کاملاً آشکار است^۲، البته با این بیان که مراد از تفأل در این بحث، تفألی نیست که در میان عموم مردم، رواج دارد و در ادامه بحث، به این مسئله پرداخته خواهد شد. به عنوان مثال در اکثر دعا‌های وارد شده در استخاره به قرآن کریم، خطاب به خداوند متعال چنین عرض می‌کنیم:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ تَقَالُْتُ بِکِتَابِکَ و...

یعنی: پروردگارا، به تحقیق که من به کتاب تو، تفأل نموده‌ام و....

اما به فرض آن که این خبر مرسل، معتبر باشد، باز ادعای ما را بر هم نمی‌زند؛ چرا که همان گونه که مرحوم فیض کاشانی در کتاب الوافی^۳ در ذیل این خبر، گفته است، مراد از تفأل در این روایت، معنای خاصی دارد که در صدر اسلام برخی از مسلمانان به عنوان خرافه به آن روی آورده بودند و آن این بوده که عده‌ای، با شنیدن آیاتی از قرآن، به

۱. الکافی (بخش اصول)، ج ۲، باب النوادر، ص ۶۲۹، ح ۷.

۲. ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۰۴، ح ۴۷۴۶ و ح ۴۷۴۷.

۳. الوافی، ج ۹، ص ۱۴۰۹، ذیل ح ۱.

عبارات مختلف آن تَفَالٌ نموده و نتیجه کار خود را محکم می‌زدند و به نحوی با تأویلات پوچ و بی اساس، دست به غیب‌گویی می‌زدند و مثلاً از شفا یافتن مریض، یا مرگ کسی و یا پیدا شدن مالی و مانند آن خبر می‌دادند، و در واقع امام علیه السلام، در این خبر، از این نوع امور، نهی نموده است.

سپس مرحوم فیض کاشانی رحمته الله در ادامه سخنش، مطلبی می‌گوید که مضمونش این است: و علت این که امامان معصوم علیهم السلام، از تَفَالٌ زدن به غیر قرآن (به معنایی که گفته شد)، مثلاً تَفَالٌ به برخی کتاب‌های دیگر، نهی نکرده‌اند، مانند این که تَفَالٌ زدن به دیوان حافظ، اشکالی ندارد، این است که اگر در غیر قرآن، نتیجه بیان شده، موافق با واقع در نیاید، بدبین شدن استخاره‌کنندگان به آن کتاب‌ها، مشکل خاصی ایجاد نمی‌کند، ولی اگر در مورد قرآن، این مسئله رخ دهد، موجب بدبین شدن استخاره‌کنندگان به قرآن کریم می‌شود و احیاناً ممکن است حرمت قرآن در این میان شکسته شود.

نگارنده می‌گویم:

البته در روایات اسلامی، تَفَالٌ به معنای خاص دیگری نیز به کار رفته و از آن نهی شده است و آن به معنای تشاءم است؛ به این معنی که عرب، گاهی در مورد برخی از امور و زمان‌ها و مکان‌ها، به شومی و نحسی ذاتی قائل بود، همان گونه که در برخی از کشورهای دیگر و یا

فرهنگ‌های دیگر نیز امروزه آثاری از این مسلک دیده می‌شود و به عنوان نمونه، برخی روزها را نحس و شوم می‌دانند، و یا برخی کارها و برخی رخدادهای را نشانه شوم و نحس بودن تلقی می‌کنند و به همان خاطر، از انجام کارهای خود در آن موقعیت‌ها اجتناب می‌کنند، ولی پر واضح است که اگر روایت مرسل مورد نظر، پذیرفته شود، با توجه به این که در آن، تصریح به نام قرآن شده است، مراد از تفأل نمی‌تواند به این معنا باشد.

بنابراین، از مجموع آن چه که گفتیم، چند نکته مهم، قابل دفاع است:

۱. از متن روایت مرسل که نقل شد، چنین برداشت می‌شود که قطعاً استخاره، حدود و محدودیت‌های خاصی دارد و در واقع، امام صادق علیه السلام، در روایت مذکور، به همین حدود و مرزها گوشزد نموده است.

۲. هر چند که ممکن است برخی از اولیای الهی، در اثر صفای باطن و مقام شهود و مکاشفه خاصی که دارند، در کنار استخاره بتوانند از یک سری وقایع آینده و یا از جوانب کار مورد نظر، حقایقی را کشف نموده و بیان کنند، ولی این تنها مخصوص افرادی خاص است و نمی‌توان در تعمیم سنت استخاره، آن را لحاظ نمود.

۳. از همه روایت‌های موجود در رابطه با استخاره، چنین فهمیده می‌شود که: خاصیت قدر متیقن استخاره، تنها تفهیم مصلحت بودن

اقدام به آن کار و یا عدم اقدام است، اما سعی در کشف جوانب دیگر همچون؛ سود بردن یا ضرر کردن، به نتیجه مطلوب رسیدن یا نرسیدن، و یا فراتر از آن غیب‌گویی و خبر دادن از وقایع آینده و یا گذشته و مانند آن، در محدوده سنت استخاره نیست و سودی نیز به استخاره کننده نمی‌رساند و بلکه، توسعه این مفهوم از استخاره در میان عموم مردم، باعث سوء ظن و بدبینی مردم نسبت به قرآن و سایر مقدسات دینی می‌شود. هر چند که با توجه به ضعیف بودن خبر «لا تتفال بالقرآن» و همچنین مبهم بودن مدلول آن، نمی‌توان گفت که: این کار، قطعاً حرام است؛ ولی مسلماً نه تنها ثمره‌ای به حال روی آورندگان به استخاره نخواهد بخشید، بلکه موجب هتک حرمت و متهم واقع شدن کتاب الهی در میان مؤمنان عوام، به ویژه دشمنان قرآن خواهد بود. و بسیاری از محققان اسلامی، به این مسئله تصریح نموده‌اند.^۱

البته همان گونه که قبلاً نیز خلاصه‌وار، اشاره کردیم، اگر این مسئله، تنها به قصد تیمن^۲ از مواعظ و رهنمودها و توصیه‌های کلی قرآن کریم باشد - به عنوان مثال، اگر در آیه کریمه‌ای ضمن فهمیدن مصلحت بودن عملی، به جملاتی همچون «توکل کن»، «انفاق کن»

۱. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۱۹، ذیل ح ۱۱: مفتاح الکرامه عاملی، ج ۹، ص ۲۵۷؛ شرح کافی مازندرانی، ج ۱۱، ص ۷۴: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۱۹؛ الرسائل آیت الله صافی گلپایگانی، ج ۱، ص ۱۳۰. ۲. تبرک جستن.

و مانند آن نیز به عنوان تیمّن و رجا، توصیه و یا عمل شود - اشکالی ندارد و بلکه ثمراتی نیز دارد که انکار ناپذیر است و شاید بتوان نام این عمل را «استخاره» گذاشت که عملی متفاوت از استخاره و تغالّ است، همان گونه که در محاورات برخی از اهل علم و تحقیق نیز، گاهی این عنوان دیده می شود.

بنابراین، به عنوان نتیجه کلی می توان گفت: مطابق سنت استخاره، مؤمن پس از به کار گرفتن عقل و به جای آوردن مشورت و استفاده از تجربیات دیگران، اگر نسبت به اقدام و یا عدم اقدام نسبت به آن کار، همچنان متحیر و سرگردان باشد و به عبارتی دیگر، در انجام دادن و یا انجام ندادن آن، سردرگم شود، دست به دعا برمی دارد و از ذات اقدس الهی می خواهد تا به نوعی او را به سمت آنچه که خیر و صلاح و سعادت نهایی اش در آن است راهنمون سازد. بنابراین او به یکی از روش های استخاره، متمسک می شود و در صورت مثبت بودن نتیجه استخاره، توکل به خدا نموده و به نتیجه کار راضی می گردد و در صورت منفی بودن، آن را ترک می کند.

و این عمل مرکب که در واقع، ترکیبی اعتباری از دعا و توکل و رضا و تعبد است، استخاره نامیده می شود.

و اگر استخاره کننده در حین استخاره به قرآن کریم، بخواهد از مواعظ و توصیه های کلی خداوند در کتاب الهی بهره مند شود و به

نوعی به رهنمودهای آن تیمّن نماید و آن توصیه‌ها را در جهت رسیدن به خیر و صلاح خود، جدّی بگیرد، بلا مانع است.

اما اگر بخواهد با تمسّک به قرآن کریم و یا سایر روش‌های استخاره، به نوعی خبر از آینده و یا نتیجه قطعی از انجام امور خود را کشف نماید و یا از گذشته و آینده افراد و یا امور مختلف، خبر دهد، این جاست که وارد خطوط قرمز این سنّت حسنه شده و می‌توان نام آن را «تفأل» به معنای خاصّ گذاشت، که اگر چه حرام بودن آن، از روایات موجود، استفاده نمی‌شود، ولی واضح است که این کار، نه تنها سودی به حال استخاره‌کننده نخواهد بخشید، بلکه در صورت خلاف واقع درآمدن استخاره، احتمال دارد که شخص، نسبت به قرآن کریم بدبین گردد، و یا عواقبی همچون عقل‌گریزی، اعتقاد به جبر، سستی و تنبلی و بی‌مسئولیتی و مانند آن، دامن‌گیر او گردد.

□ حکمت استخاره

هر چند که در احادیث موجود در خصوص استخاره، تصریحی از ناحیه معصومین (علیهم‌السلام) به حکمت استخاره نشده است، ولی با مطالعه و ملاحظه احوال کلی این دسته از روایات و سیاق برخی از آنها و همچنین با تأمل و تفکّر کلی در این خصوص، چنین به دست می‌آید که حکمت‌های مهمی در تشریع این سنّت حسنه، دخالت دارند و ما در این بخش از کتاب، به تبیین موارد مهم آن می‌پردازیم:

۱. تقویت روحیه حضور و ارتباط قلبی با خالق هستی

شکی نیست که مسئله حضور و تقویت آن در وجود انسان، یکی از مباحث مهم سلوکی و عرفانی است که در روایات زیادی به آن توصیه شده است. به این معنا که یک مؤمن سالک، بایستی تا می تواند یاد پروردگار خود را در اعماق دل، جای دهد و همیشه خود را در محضر پروردگار ببیند و در واقع، به این باور و یقین برسد که عالم همه محضر اوست و هیچ امر کوچکی از سیطره حکومت و تسلط پروردگار، خارج نیست و هر چه هست از اوست و اوست که مالک حقیقی همه آسمان ها و زمین و ما بین آنهاست.

عارفان و اولیای الهی، همیشه خود را در محضر خداوند عالمیان می بینند و سعی می کنند لحظه ای از او غفلت نکنند و همیشه به یاد او باشند و هرگونه تأثیر و تأثرات هستی را از اراده کن فیکونی او تلقی نمایند. و این مسئله مهم، در لابلای غالب دعاها و اسلامی و همچنین اذکار و ختم و اورادی که از ناحیه معصومین علیهم السلام صادر گشته، قابل مشاهده است.

با تأملی کوتاه در مقوله استخاره، برای مخاطب روشن خواهد شد که تمسک به سنت حسنه استخاره، در تقویت و بارور نمودن روحیه حضور، و تضعیف روح غفلت از قدرت لایزال الهی، در اعماق جان استخاره کننده، تأثیر به سزایی دارد.

توضیح این که: استخاره کننده، با تمسک به این سنت اسلامی (البته پس از حصول شرایط و اصول اساسی آن که بعد از این ذکر خواهد شد) در واقع، این اندیشه را در سر خود می‌پروراند که خیر واقعی، در دست خداوند متعال است و اوست که به خیر و صلاح بندگان، از همه آگاه‌تر است. بنابراین، استخاره کننده از جان و دل، متوجه خداوند متعال و قدرت و علم لایزال او می‌گردد و دست به دامن او می‌آویزد و امر خود را به او می‌سپرد و از او طلب خیر می‌کند.

۲. بهره‌گیری از ادعیه و توسلات آمده در ابتدای بسیاری از

روش‌های استخاره

در راستای حکمت قبلی (همان گونه که در متن این کتاب نیز به وضوح مشاهده خواهید نمود) بسیاری از روش‌هایی که برای استخاره ذکر گردیده، توأم با یک سری ذکرها و توسلات پر مغز و پر محتوایی هستند که استخاره کننده، اگر متوجه معانی آنها گردد، بهره معرفتی و ارتباطی ویژه‌ای در این زمینه خواهد برد و این، برای برخی از استخاره کنندگان عوام، که توفیق چندانی در خواندن سایر متون ادعیه و اذکار و توسلات به اهل بیت علیهم‌السلام، ندارند، بسیار مفید است تا با ملاحظه این اذکار و توسلات، جرقه‌های محبت الهی در روح آنها شعله‌ورتر و مسیر هدایت و نزدیکی به خداوند، برای آنان هموارتر گردد.

۳. آشنایی عمومی با برخی از مقدّسات دینی و مذهبی

شاید یکی از حکمت‌هایی که شارع مقدّس از ایجاد این سنّت حسنه در نظر داشته، این باشد که: کلاً گسترش این سنّت حسنه در میان عموم مسلمانان و تمسّک به آن، موجب می‌شود تا طبقه‌ای از مسلمانان که معمولاً ارتباط چندانی با ارزش‌های دینی ندارند، از آنجاکه به این گونه سنّت‌های صوری و نمادین علاقه دارند، اگر شده به جهت بهبود بخشیدن به تصمیمات دنیایی خود، به سمت این سنّت‌ها گرایش پیدا کنند و در سایه همین سنّت‌های حسنه، با برخی از مقدّسات دیگر دینی و اسلامی نیز آشنا گردند. همان‌گونه که امروزه ما شاهد هستیم که بسیاری از عوام الناس، تنها به بهانه همین علقه‌های ظاهری، گاهی به سراغ قرآن می‌روند و یا با تسبیح و امثال آن آشنا می‌گردند و یا ارتباطی با اهل علم پیدا می‌کنند و ...؛ و همه این ارتباط‌ها، در نهایت به نفع اسلام و پررنگ شدن ارزش‌ها و مقدّسات دینی تمام می‌شود.

۴. تقویت روحیه توکل و تفویض و ایمان

وقتی استخاره‌گر، در جهت انجام یک امر مهمّی (البته با رعایت شرایط و اصول آن) به سمت استخاره رو می‌آورد، پر واضح است که او در پی یک جوشش باطنی و ایمان قلبی به حکمت و قدرت لایزال الهی، خود را در برابر اراده و مشیت پروردگار متعال عاجز می‌بیند و متواضعانه سر تسلیم فرود می‌آورد و با تمسّک به یکی از راه‌های

استخاره، از مصلحت و خیر خواهی حضرت متعال در خصوص تصمیم خود، بهره‌مند می‌گردد و سپس در مقابل جواب استخاره، تسلیم می‌گردد و در نهایت، عاقبت امر خود را به خداوند تفویض می‌نماید و به او توکل می‌کند، هر چند که او از تلاش و کوشش خود دست بر نمی‌دارد، ولی با توکلی بیشتر و ارتباطی تنگاتنگ‌تر با خالق خود، توأم با روحیه‌ی رضا نسبت به رهنمون الهی، در مسیر تصمیم خود گام بر می‌دارد.

۵. تضعیف استبداد رأی

همه‌ی ما انسان‌ها گاهی اوقات، به خاطر ضعف قدرت مهار نفس و کمبود روحیه‌ی ایمان، حداقل در مورد برخی از کارها، فریب نفس و شیطان را خورده و از یک استبداد رأی خاصی برخوردار می‌شویم. فکر می‌کنیم تنها آنچه که ما می‌گوییم درست است و هر کسی که با اندیشه‌ی ما مخالفتی بکند، ناحق است و هیچ احتمال خطا و اشتباهی نسبت به خودمان نمی‌دهیم و لجوجانه از تصمیم خود دفاع می‌کنیم بدون آن که در مورد مخالفان خود و یا سخن آن‌ها، اندک تأملی نموده باشیم.

یکی از راه‌هایی که در چنین مواقعی، می‌تواند مؤمن را اندکی از آن استبداد رأی پایین بیاورد و از لج و عناد او بکاهد، تمسک به این سنت حسنه است. با این توضیح که در چنین مواقعی، مؤمن، پس از تفکر

و تأمل زیاد و شنیدن سخنان مخالفان، اگر نتواند از نظریه خود دفاع منطقی لازم را بنماید و یا دلایل کافی برای رد مخالفان خود ندارد، و در واقع در اندرون خود در یک حیرتی عظیم فرو رفته و در مقام تردید و شک است، ولی به خاطر لج و عنادی که نفس شوم او دارد، در ظاهر از نظریه خود، به شدت دفاع می‌کند، دست به استخاره می‌زند و با شنیدن جواب حکمت‌آمیز حاصل از استخاره، نفس خود را آرام می‌سازد و متواضعانه، حقیقت را می‌پذیرد.

در راستای این چند حکمت که تا این جا ذکر شد، مرحوم علامه مجلسی در کتاب شریفه بحار الأنوار، پس از نقل بسیاری از روایات مربوط به استخاره، چنین می‌فرماید:

هو أن لا يكون الإنسان مستبداً برأيه، معتمداً على نظره وعقله، بل يتوسل بربه تعالى، ويتوكل عليه في جميع أموره، ويقر عنده بجهله بمصالحه، ويفوض جميع ذلك إليه، ويطلب منه أن يأتي بما هو خير له في أخراه وأولاه، كما هو شأن العبد الجاهل العاجز مع مولاه العالم القادر، فيدعو بأحد الوجوه المتقدمه مع الصلاة أو بدونها، بل بما يخطر بباله من الدعاء إن لم يحضره شيء من ذلك للأخبار العامة؛ ثم يأخذ فيما يريد، ثم يرضى بكل ما يترتب على فعله من نفع أو ضرر؛^۱

یعنی: استخاره این است که انسان، مستبد در رأی خود نباشد و تنها به رأی و اندیشه خود تکیه نکند، بلکه به خداوند متعال خود توسل کند و در همه امور خود، به او توکل نماید و به جهل و نادانی خود نسبت به مصالح خودش، اقرار کند و همه این امور را به خداوند تفویض کند و از او بخواهد تا هر چه که خیر و صلاح دنیا و آخرتش در آن است برای او پیش آورد، همانگونه که عبد نادان و عاجز، با مولای عالم و قادر خودش این کار را می‌کند، پس به یکی از روش‌هایی که در استخاره گذشت - چه با نماز و چه بدون آن - بلکه تا آنجا که ممکن است با دعا و نیایش (اگر روش دیگری برای او ممکن نبود، به جهت عموم اخباری که گذشت) و سپس کاری را که می‌خواهد انجام دهد و به هر چه که در ازای کارش از منفعت و ضرر به او می‌رسد راضی گردد.

۶. قاعدة لطف الهی و هدایت پروردگار

یکی از مهم‌ترین حکمت‌های این سنت حسنه، قاعدة لطف پروردگار است که مطابق آن، بندگان مؤمن، به سمت خیر و صلاح خود رهنمون می‌شوند.

توضیح مطلب این که: هر چند عنصر عقل در انسان، از جایگاه بسیار ویژه‌ای برخوردار می‌باشد که در واقع، وجه تمایز انسان با سایر مخلوقات الهی به حساب آمده است؛ ولی هر انسانی در برخی از موارد خاص، در مقام انجام یک عمل و یا ترک آن، و یا انتخاب یکی از دو

عمل، چنان در مقام تردید و شک باقی می ماند که هم عقل کشف و هم شرع هدایتگر نمی توانند او را از این تردید بیرون بیاورند. این جاست که شریعت مقدسه اسلامی، سنتی به نام استخاره پایه ریزی نموده است تا بنده مؤمن پروردگار، در چنین شرایطی با تمسک به آن و با رعایت تمام اصولی که ذکر خواهد شد، از این تردید بیرون آمده و لطف و فضل الهی، به نصرت بنده برسد و او را به سمت تصمیمی که خیر و صلاح دنیوی و آخرتی مؤمن در اوست رهنمون سازد و از تصمیماتی که به صلاح او نیست، مصون بماند؛ چرا که خداوند متعال، به خیر و صلاح بندگان خود، از هر کسی داناتر است و خیرخواهی آن مُنصح^۱ یکتا نیز، برای بندگان خود، امری ثابت شده است.

و یا حداقل، در برخی از شرایط ویژه، بندگان مؤمن پروردگار، به خاطر وجود برخی مشکلات خاص، قدرت تمرکز و تصمیم گیری منطقی را از دست می دهند و در یک حالی واقع می شوند که با نهایت دقت و تأمل و مشورت، نمی توانند به یک نتیجه قطعی برسند، و در چنین مواردی، تمسک به سنت استخاره، آنان را به سمت خیر و صلاح آنان رهنمون می سازد.

۷. آرامش قلبی مؤمن

در راستای حکمت قلبی، پر واضح است که در شرایطی که حالت

۱. مُنصح: خیرخواه.

تردید و دودلی در مورد برخی از امور، یا در برخی از حالات ویژه به مؤمن روی می دهد، یکی از اموری که ضمن رهنمود کردن او به سمت خیر و صلاح، او را از عالم تردید و اضطراب بیرون می آورد و آرامشی خاص به ذهن و قلب او می بخشد، سنت استخاره است.

□ چند شبهه اساسی پیرامون استخاره

همه کسانی که معمولاً با سنت استخاره مخالفت می کنند و یا اعتقاد چندانی به آن ندارند، چند شبهه اساسی را در این زمینه مطرح می کنند که به نظر نویسنده، تأمل در این شبهه ها، بسیار مهم است:

۱. استخاره و عقل گرایی

تردیدی نیست که عنصر عقل در وجود انسان، مهمترین مایزه^۱ بین انسان و سایر مخلوقات الهی به شمار می رود و از ارزش فوق العاده ای برخوردار است و در روایات بسیار زیادی، به ارزش فوق العاده این عنصر، تصریح شده است.

در دسته ای از روایات اسلامی، تنافی و تضاد میان عقل و شرع، به کلی نفی شده است و جایگاه خاص عقل در سرنوشت انسان، هم در مرحله تشریع دین، و هم تبیین آن، از ناحیه کارشناسان و مجتهدان دینی، و هم در مرحله عمل مکلفین به آن، برای اهل فن پوشیده نیست. در دسته ای از روایات اسلامی، عقل را به منزله پیامبر باطنی معرفی

نموده‌اند. و در دسته‌ای از آن‌ها، پاداش و مجازات و درجه و رتبه مؤمنین، متوقف بر میزان عقل آن‌ها اعلام شده است.

برخی از محققان، با مشاهده این جایگاه ویژه برای عقل در وجود بشر، به این شبهه افتاده‌اند که چگونه است که اسلام، با طرح ریزی سنت استخاره، انسان را با یک سری حرکات نمادین و صوری به استقبال تصمیمات مهم زندگی می‌فرستد و او تنها با یک استخاره به قرآن یا تسبیح و غیره، راه عقل و اندیشه را بر خود می‌بندند و به خوب و یا بد بودن نتیجه، دل خوش می‌کند و به همان عمل می‌کند؟!

در جواب این شبهه می‌گوییم: کسانی که این شبهه را مطرح نموده‌اند، از یکی از شروط و اصول اساسی استخاره در اسلام، غافل شده‌اند و آن این است که: انسان نمی‌تواند در هر جایی و در هر موقعیتی استخاره کند و به عبارتی دیگر، استخاره در همه تصمیمات بشری جاندارد بلکه این سنت حسنه، مقید به زمانی است که شخص به اندازه کافی از فکر و اندیشه‌اش در خصوص آن کار مورد نظر استفاده کرده، ولی باز در انجام و یا ترک آن، محیر و سرگردان مانده است.

به عبارتی دیگر، اگر معنی استخاره در اسلام این بود که مؤمن، در هر امری که می‌خواهد انجام دهد و یا ترک کند و یا در مواردی که یکی از دو کار را می‌خواهد بکند، بدون هیچ فکر و اندیشه‌ای، یکی از روش‌های استخاره را در پیش بگیرد و به همان عمل کند، این شبهه،

جاداشت و در این صورت، رواج سنت استخاره، نتیجه‌ای جز تضعیف عقل و فکر بشری و عقل‌گریزی و عقل‌ستیزی در پی نخواهد داشت و در بلند مدت، با گسترش این فرهنگ غلط در میان پیروان یک مکتب و یا یک جامعه، همه آن‌ها به یک سری انسان‌های بی فکر و بی عقل و بی مسئولیت و سست و تنبل و بی عار تبدیل خواهند شد.

اما همان گونه که بعد از این نیز در بخش مربوط به شرایط و اصول اساسی استخاره بیان خواهد شد، مراد از استخاره این نیست و استخاره در مراد شارع، اصول خاصی دارد که بدون در نظر گرفتن آن اصول، استخاره جز خرافه‌ای بیش نیست. از جمله شرایط و اصول اساسی استخاره این است که استخاره کننده مراحل مختلف تفکر و تأمل و مشورت با اهل دانش و تجربه را پشت سر گذاشته، ولی باز در مقام تردید و شک و دودلی مانده است؛ بنابراین در فرهنگ اسلامی، استخاره تیر آخر به حساب می‌آید و نه تیر اول؛ یعنی محل استخاره، بعد از طی مراحل تفکر و تعقل و مشورت و استفاده از تجربیات دیگران و امثال آن است.

۲. استخاره و آزادی انتخاب

ممکن است برخی از شبهه‌کنندگان گمان کنند که استخاره، آزادی انتخاب انسان را محدود می‌کند و در واقع کسی که به استخاره روی می‌آورد، چون تنها با تمسک به این عمل صوری و نمادین، تصمیم

خود را در خصوص این که آیا آن فعل مورد نظر را انجام دهد یا نه؟ و یا این که از بین دو عمل، کدام را برگزیند، انتخاب نموده است، پس در واقع، آن شخص با عقل و اختیار خودش تصمیم نگرفته و به همان خاطر آزادی انتخاب او محدود گشته است؟

اما همان گونه که در جواب شبهه قبل از این نیز بیان شد، این اشکال در صورتی مطرح است که استخاره کننده، اصول شرعی استخاره را مراعات نکند و بدون این که عقل و فکر خود را به کار بیندازد، مستقیماً به سراغ استخاره رود و در واقع، عقل خود را تعطیل کند و انتخاب خود را تنها بر استخاره استوار سازد. ولی این برداشت از استخاره، درست نیست، بلکه این گونه نگاه به سنت استخاره، بینشی مفرطانه است. بنابراین، نباید با مشاهده چنین افراد کج فهمی، اصل سنت استخاره را زیر سؤال برد؛ چرا که فرض ما این است که پیروان مکتب اسلام، با بینشی درست و متعادل از این سنت، به آن تمسک جویند.

۳. محدودیت تلاش و کوشش و گرایش به سستی و تغلب

وبی مسئولیتی

همچنین، اگر کسی برداشت درستی از استخاره نداشته باشد، و بدون آن که از عناصر عقل و تجربه و مشورت و حتی یافته‌های علوم روز بشری بهره ببرد، به طرف استخاره برود و در همه کارها و تصمیمات خود، تیر اول و آخرش، استخاره باشد؛ یعنی معتقد باشد

که مثلاً اگر استخاره خوب آمد، دیگر نیازی به تلاش و کوشش و سعی در پیش برد تصمیم خود ندارد، بلکه در هر صورت آن کار خوب بوده و به نتیجه خواهد رسید، قطعاً این برداشت غلط است و بدیهی است که چنین استخاره کننده‌ای هرگز به نتیجه مطلوب خود نخواهد رسید؛ چرا که استخاره، هیچ‌گونه منافاتی با تلاش و کوشش ندارد، بلکه استخاره، درست همانند دعا است و همچنان که دعا کردن هیچ‌گونه منافاتی با تلاش و کوشش ندارد، در استخاره نیز اگر کوشش و تلاش لازم به جا آورده نشود، هیچ نفعی به حال استخاره کننده نخواهد داشت؛ چرا که از شرایط لازم و حتمی استخاره این است که بعد از استخاره، مؤمن باید در مسیر تصمیم خود، تلاش‌های لازم را به جا بیاورد.

۴. استخاره و معنای خوب و بد

شبهه مهم دیگری که در این زمینه مطرح است و ما در فصول گذشته نیز اشاره‌ای به آن نمودیم، این است که در بسیاری از اوقات، کسانی که به این سنت حسنه روی آورده و مثلاً در مورد یک کاری استخاره نموده‌اند، به آنچه که از استخاره جواب شنیده بودند نرسیده‌اند و به عبارتی دیگر جواب را منطبق بر آنچه که پیش آمده نیافته‌اند. به عنوان مثال برای یک کاری استخاره کرده‌اند، خوب آمده، ولی به نتیجه مطلوب خود نرسیده‌اند و یا ضرر زیادی در آن مورد، متحمل شده‌اند.

و یا برعکس آن، در برخی از موارد، جواب استخاره بد آمده، ولی نفع زیادی، پیش آمده است؟

در جواب این شبهه باید گفت که: این مسئله، هرگز موجب تضعیف سنت استخاره نمی باشد؛ چرا که کسانی که این شبهه را مطرح کرده اند، در واقع معنی و محدوده استخاره را خوب نفهمیده اند و آن ها گمان نموده اند که استخاره خوب، یعنی این که طرف حتماً به آن تصمیم مورد نظر خود خواهد رسید و یا حتماً نفع دنیوی زیادی خواهد برد، و یا برعکس، اگر جواب استخاره بد بیاید، یعنی حتماً آن کار به نتیجه نخواهد رسید و شخص ضرر خواهد دید. ولی با توجه به عموم روایاتی که در مورد سنت استخاره وارد شده است، این نکته کاملاً روشن و بدیهی است که مراد از استخاره این نیست؛ بلکه معنای خوب و بد در استخاره - همان گونه که در فصل مربوط به محدوده و معنای استخاره گفته شد - مجموع خیر و صلاح شخص استخاره کننده (اعم از مصلحت دنیایی و آخرتی او) می باشد و این خیر و صلاح جامع بشر را خود بشر نمی تواند به راحتی در دنیا کشف کند؛ چرا که مسائل مختلفی در مصالح افراد دخالت دارند که انسان نمی تواند به راحتی آن ها را کشف کند، هر چند که در برخی از موارد، خود به خود، آن شخص، برخی از این مصالح را می فهمد.

بنابراین ممکن است جواب استخاره ای خوب بیاید، ولی شخص

از لحاظ دنیایی ضرر هم بکند؛ ولی در نهایت، آن مسئله و یا حتی خود آن ضرر، به خیر و صلاح شخص باشد. و یا ممکن است در برخی از موارد، جواب استخاره خوب بیاید، ولی هیچ نتیجه‌ای از آن کار نگرفته باشد، در این گونه موارد شاید یکی از جنبه‌های خوب بودن اقدام آن بوده که شخص استخاره کننده وارد آن کار شود و تجربیات جدیدی از آن کار کسب کند که در تمام زندگی خود از آن بهره ببرد، بگونه‌ای که اگر در آن کار، به راحتی نتیجه مثبت گرفته بود، آن قدر بهره و سود نمی‌برد.

به عبارتی ساده‌تر، ملاک خوب بودن و یا بد بودن، و پیمانه سنجش این عناوین در سنت استخاره، تنها سود مادی، و یا راحت به نتیجه رسیدن، و یا به مراد دل خود رسیدن، و یا مشکلی پیش نیامدن و مانند آن نیست، بلکه معیار سنجش، خیر و صلاح جامع و سعادت نهایی بشر است، و این مسئله، درست مثل دعا کردن است؛ چرا که در دعا نیز، اگر چه در آیات و روایات زیادی، به استجاب مؤثره داده شده است، ولی در اکثر موارد، با این که مورد دعا خوب است و دعا کننده آداب و شرایط لازم برای استجاب دعا را دارد، ولی دعایش مستجاب نمی‌شود و در این خصوص، در روایات آمده است که: علت برآورده نشدن دعا آن است که آن خواسته، به خیر و صلاح آن شخص نمی‌باشد. البته در کنار همه این‌ها، استخاره کننده باید بداند که برخی از عوامل

و آداب و نکات، در بهبود کیفیت استخاره و انطباق آن با واقعیت دخالت دارند و در برخی از موارد ممکن است که رعایت نکردن آن‌ها نیز در جواب مؤثر باشد؛ همچون حُسن ظنّ نسبت به خداوند متعال و تقدیرات الهی، حضور باطنی شخص در هنگام استخاره، رعایت برخی آداب ظاهری مثل وضو و طهارت و مانند آن، میزان ایمان و عمل صالح و معرفت شخص استخاره کننده به عالم غیب و ملکوت و معنا و مانند آن.

و یاد در برخی از روش‌های استخاره، مثل استخاره به قرآن کریم (که خود این نوع نیز، روش‌های متعددی دارد) معمولاً هر کسی نمی‌تواند در آن، نتیجه را درست تشخیص بدهد و حتی ممکن است برخی از افراد که سواد کافی برای برداشت از آیات الهی را ندارند، بر عکس نیز برداشت بکنند. توضیح بیشتر در استخاره به قرآن کریم اینکه هر کسی نمی‌تواند به این سنت متمسک شود، بلکه استخاره کننده بایستی از سواد کافی برای برداشت از آیات الهی برخوردار باشد و بتواند سیاق کلی و مفهوم و مراد آیات را کشف کند و قطعاً این کار، کار هر کسی نیست و به همان خاطر معمولاً علمای اسلام توصیه می‌کنند که مکلفین عوام، استخاره به قرآن کریم را به اهل علم و کسانی که با فنون و اصول تفسیر و فهم متن و ادبیات عرب آشنایی کافی دارند بسپارند، و حتی ممکن است برخی از طلبه‌ها و روحانیون هم که آگاهی کافی در این رشته‌ها را ندارند، از عهده این مسئله برنمایند.

در همین راستا بایستی گفت که: استخاره به آیات قرآن کریم، این گونه نیست که یک قاعده و اسلوب کلی و ظاهری و قابل فهم برای همه داشته باشد، بلکه ممکن است در یک شرایط خاصی، برای یک امر خاصی، از یک آیه خاصی، جواب خوب فهمیده شود و در یک شرایط دیگری، از همان آیه، جواب بد فهم شود. بنابراین، به اتفاق همه علما و محققان اسلامی که مطالعاتی در خصوص سنت استخاره دارند، کلماتی که در بالای برخی از قرآن‌ها به عنوان خوب و یا بد می‌نویسند، بی‌اساس است و نباید استخاره کننده به آنها اعتماد کند؛ چرا که از هیچ آیه‌ای نمی‌توان یک قاعده کلی خوب یا بد را کشف نمود، بلکه شرایط استخاره کننده و متمسک شونده به استخاره و سیاق آیات قبل و بعد و بسیاری از ملاک‌های دیگر، در برداشت قرآنی دخالت دارند که کشف آن، کار هر کسی نیست.

بنابراین، در جواب این شبهه، به صورت جمع‌بندی می‌توان به دو نکته مهم اشاره نمود:

اولاً: میزان دقت در جواب استخاره و کیفیت آن، به یک سری شرایط و آداب روحی و ظاهری استخاره کننده بستگی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. میزان امید و حسن و ظن استخاره کننده نسبت به خداوند متعال و حکمت و تقدیرات او.

۲. میزان ارتباط و پیوند قلبی استخاره کننده با خداوند.
 ۳. میزان توسل و تضرع قلبی استخاره کننده نسبت به خداوند متعال.
 ۴. میزان ایمان، عمل صالح، تقوا و ورع استخاره کننده.
 ۵. میزان معرفت او نسبت به سنت استخاره و حکمت‌های آن.
 ۶. مراعات برخی آداب ظاهری، مثل وضو، طهارت، مکان استخاره و غیره.
 ۷. نیت استخاره کننده در ارتباط با امری که در مورد آن استخاره می‌کند و اهدافی که در خصوص آن امر مهم، در سر می‌پروراند.
 ۸. میزان علم و دانش و آگاهی لازم و کافی برای فهم آیات و قدرت تطبیق سیاق بر تصمیم خود (در خصوص استخاره با قرآن).
 ۹. روحیه تسلیم استخاره کننده نسبت به جواب حاصل از استخاره.
- و ثانیاً: استخاره کننده باید بداند که معنای خوب و یا بد در استخاره، تنها به معنای نفع و یا ضرر مادی و یا ظاهری و یا منطقی بر مراد استخاره کننده نیست، بلکه مراد از آن، مجموع خیر و صلاح او در دنیا و آخرت است. به عبارتی دیگر، تنها چیزی که به صورت قطع می‌توان از حاصل استخاره فهمید، آن است که: اقدام کردن استخاره کننده به آن کار، خوب است یا بد؟

۵ شرایط و اصول اساسی استخاره

همان‌گونه که قبلاً نیز به صورت پراکنده اشاره شد، به طور کلی سنت حسنۀ استخاره خاص در اسلام، یک سری شرایط و اصول اساسی دارد که در واقع تنها با در نظر گرفتن آن شرایط است که حکمت‌های مورد نظر شارع، به حقیقت می‌پیوندند و تنها در این صورت است که استخاره گران و استخاره کنندگان، از این سنت، بهره لازم را خواهند برد.

ما در این بخش از پژوهش، به اجمال، به این شرایط و اصول پرداخته و تأمل بیشتر در مورد آن‌ها را به عهده مخاطبان می‌گذاریم:

۱. استخاره در مورد مسائلی که شرع مقدس در خصوص انجام و یا عدم انجام آن‌ها، امر و نهی دارد و یا توصیه و ذمّ دارد، و یا حکمی خاص دارد، هیچ وجهی ندارد.

به عبارتی دیگر، انسان نمی‌تواند در مورد مسائلی که تکلیف انجام دادن یا انجام ندادن آن‌ها، از ناحیه شرع مقدس، مشخص شده، استخاره کند.

به عنوان مثال، شخص نمی‌تواند در مورد احکام عملی خود، استخاره کند، مثلاً استخاره کند برای این که وضو را چگونه بگیرد؟ و یا در مورد برخی از مستحبات و مکروهات اعلام شده، استخاره کند که آیا آن‌ها را به جا بیاورد یا نه؟ مگر آنکه در خصوص دسته‌ای از

مستحبات و سنت‌ها، شخص استخاره کننده، مثلاً میان دو امر مستحب، مخیر باشد و می‌خواهد یکی از آن دو را انتخاب کند و برای همین، دست به استخاره می‌زند. به عنوان مثال، تردید دارد که در یک مکان مقدسی که رفته، کدام دعا را بخواند.

۲. استخاره کردن در خصوص مسائل بی‌اهمیت و پیش پا افتاده که ارزش استخاره را ندارد، و جهی ندارد - به عنوان مثال، برخی از افراد، برای هوکاری که می‌خواهند انجام دهند استخاره می‌کنند - بلکه استخاره در مورد کارهای مهمی است که واقعاً تصمیم گرفتن در مورد آن‌ها، نسبتاً دشوار است.

۳. این که در زبان عموم مردم، مشهور است که می‌گویند: در کار خیر، حاجت استخاره نیست. و مثلاً از این مسئله استفاده نموده و می‌گویند که: در امر ازدواج، نباید استخاره کرد، به نظر ما درست نیست؛ چرا که انسان به صورت کلی، در همه کارهایی که می‌تواند از طریق شرع و یا عقل و یا تجربه و مشورت و استفاده از علوم پذیرفته شده بشری، تشخیص دهد که آن کار خیر است و یا شر، نیاز به استخاره ندارد، و در غیر آن موارد، می‌تواند استخاره کند. بنابراین در مورد امر ازدواج نیز اصل ازدواج شرعاً و عقلاً خوب است، ولی در برخی از موارد، با این که شخص می‌داند که اصل یک کار، خیر است و مورد توصیه و سفارش عقل و شرع واقع شده است، اما در این که به

چه روشی آن را انجام دهد و یا چه موردی را انتخاب بکند دچار شک شده و سرگردان می‌شود. به عنوان مثال، در مسئله ازدواج، شخص مردد می‌شود که آیا این کار را الآن انجام دهد، یا دو سال دیگر؟ و یا شخص خاصی را که در نظر دارد، آیا او را به عنوان همسر انتخاب کند یا نه؟ و مانند آن. بنابراین در این گونه موارد، اگر واقعاً شخص، به مقام تردید رسیده و با معیارهای شرعی و عقلی و عرفی، نمی‌تواند به نتیجه برسد می‌تواند استخاره کند.

۴. استخاره جهت پذیرفتن و یا نپذیرفتن یافته‌های قطعی علوم طبیعی و تجربی بشری که مورد پذیرش همه عقلا و اهل فن واقع شده، جایی ندارد. به عنوان مثال، کسی که مریض شده و همه پزشکان می‌گویند که باید برای درمان آن، فلان کار را کرد، و یا نسخه‌ای خاص را به او تجویز می‌کنند، آن شخص حق ندارد در این خصوص برای پذیرش یا عدم پذیرش حرف آن‌ها استخاره کند.

۵. در استخاره کردن، استخاره کننده نباید منتظر پیش بینی و یا پیشگویی باشد بلکه همان گونه که گفته شد، مراد از خوب و بد در استخاره تنها این است که آیا اقدام به آن کار خاص، به خیر و صلاح دنیایی و اخروی فرد است یا نه؟

۶. عزم جزم استخاره کننده به عمل برای نتیجه استخاره الزامی است و تردید در استخاره و تکرار آن و اصرار برای رسیدن به نتیجه خوب، موجب بی اعتبار شدن استخاره می‌شود.

به عبارتی دیگر، استخاره کننده باید پس از حصول همه شرایط استخاره، عزم خود را جزم کند تا هر چه جواب استخاره آمد به آن عمل کند و نباید مدام استخاره خود را تکرار کند و در این امر سماجت به خرج دهد تا مثلاً چون خواسته قلبی اش انجام دادن آن است آن قدر آن را تکرار کند تا استخاره، خوب بیاید و یا برعکس.

۷. استخاره کننده باید بداند که استخاره، فقط مختص مقام تردید و حیرت است و آن هم تردیدی که مکلف، با تکیه بر مشورت و تجربه و با استفاده از آموزه‌های شرعی و عقلانی و تجربی، نمی‌تواند تردید خود را رفع نماید و به یک نتیجه قطعی برسد. بنابراین، استخاره کننده نمی‌تواند در خصوص هر تصمیمی که می‌خواهد بگیرد، بلافاصله و بدون تأمل و تعقل و تفکر، دست به استخاره زده و در واقع، همه امور خود را با استخاره پیش ببرد. به عبارتی دیگر، استخاره، آخرین راه است، نه اولین راه.

بنابراین اگر کسی می‌تواند با تفکر و تأمل در پیرامون یک مسئله‌ای، و یا با استفاده از قواعد طبیعی و تجربی و یافته‌های قطعی علوم بشری، و یا در سایه مشورت و استفاده از تجربیات دیگران، یک جانب تصمیم خود را تقویت نماید، نیازی به استخاره ندارد و همان جانب را بایستی بگیرد و عمل کند.

بنابراین، سنت استخاره نباید موجب تعطیلی عقل و عقل‌ستیزی

و منطق گریزی گردد و راه استفاده از فکر و اندیشه و مشورت را به روی انسان ببندد.

۸. استخاره هر کس، تنها در مورد آن بخش از کار که مربوط به خود او می شود، ارزش و اعتبار دارد و کسی حق ندارد حاصل استخاره خود را بر دیگران تحمیل کند و یا در مورد بخشی از کار که با دیگران و یا تصمیم او با تصمیم دیگران در ارتباط است استخاره کند و سپس سعی کند تا جواب استخاره را بر طرف های مقابل خود، تحمیل نماید.

۹. استخاره هیچ منافاتی با تلاش و کوشش بشری ندارد، بلکه برای استخاره کننده لازم است تا پس از استخاره، در مسیر تحقق حاصل استخاره، از هیچ تلاش و کوشش لازم دریغ نکند و الا بدون کوشش و تلاش، استخاره، سودی به حال او نخواهد داشت.

□ آسیب شناسی استخاره

پس از مطالبی که در فصول گذشته، در قالب اهمیت استخاره و حکمت های آن و شبهات آن، و شرایط و اصول اساسی نه گانه آن به عرض رسید، انتظار می رود که خواننده محترم، با تأملی کوتاه، خود به موارد آسیب شناسی و آفات تمسک غلط به این سنت حسنه و یا کنج فهمی و کج روی های ممکن، پی برده و سعی کند همه آن ها را در امتساک به این سنت، مد نظر داشته باشد.

از عموم مطالبی که تا به حال عرض شد، موارد آسیب شناسی این سنت حسنه را در شش مورد کلی می توان خلاصه نمود:

۱. عقل‌گریزی و منطق‌ستیزی

این که استخاره‌کننده، به خاطر عدم آشنایی با محدوده و شرایط و اصول اساسی استخاره، در هر کار مهم و غیر مهم، بدون هیچ‌گونه تأمل و تفکری، بلافاصله به استخاره پناه آورده و به تدریج، قوه عقل و تفکر و اندیشه خود را تعطیل کند و در نهایت به جمود عقلی و رکود منطق، گرفتار گردد.

۲. خرافات و اوهام باطل

این که استخاره‌کننده، پس از تعطیلی و رکود و یا تضعیف عقل و روحیه منطق‌محوری، به تدریج به یک سری از خرافات و اوهام پوچ مبتلا گردد و در واقع در همه تصمیمات و کارهای خود، واقعیت‌ها و قواعد و شرایط طبیعی را نبیند و تنها با تخیلات و اوهام و خرافات، به استقبال همه امور خود در زندگی برود.

۳. سستی و تنبلی و مسئولیت‌ناپذیری

همان‌گونه که سابقاً نیز اشاره شد، اگر استخاره‌کننده به این معتقد باشد که هر چه حاصل استخاره شد، قطعاً همان واقع خواهد شد و در واقع، تلاش و کوشش او هیچ تأثیری در نتیجه امر نخواهد داشت، به تدریج این مسئله، روحیه تلاش و کوشش او را تضعیف می‌کند و در نهایت، او را به انسانی سست و تنبل و بی‌عار و مسئولیت‌ناپذیر تبدیل می‌کند.

۴. تضعیف روحیه خودباوری

طبیعی است انسانی که در همه امور مهم و غیر مهم خود، بدون استفاده از قوه تعقل و تأمل خود و بدون انجام دادن سعی و تلاش لازم، عادت دارد تنها با کمک استخاره امور خود را پیش ببرد، به تدریج روحیه خودباوری در او تضعیف خواهد شد.

۵. رکود علم و دانش در جامعه معتقد به استخاره

فرض کنید اگر در یک جامعه اسلامی، همه به فرهنگ و سنت استخاره معتقد باشند و به آن عمل کنند، ولی همه آنها، با اصول و شرایط این سنت آشنا نباشند، و به خیال باطل خود، فکر کنند که در هر مسئله‌ای انسان می‌تواند بلافاصله استخاره کند و حرف اول و آخر را همان استخاره می‌زند و هیچ ارزش و اعتباری برای دانش بشری و تجربه و مشورت و امثال آن قائل نشوند؛ بدیهی است که پس از مدتی، این جامعه با یک رکود علمی گسترده‌ای روبه‌رو خواهد شد.

۶. سنت زدگی

همچنین اگر کسانی که به این سنت حسنه روی می‌آورند، محدوده و اصول و شرایط استخاره را مراعات نکنند، طبیعتاً انتظار آن‌ها از استخاره، چیزی غیر از واقعیت خواهد بود، بنابراین امکان دارد که در برخی از موارد مهم، جواب استخاره خلاف واقع و به دور از انتظار آن‌ها باشد. مثلاً کسی استخاره کرده، و جواب خوب آمده، و به خاطر

همان جواب استخاره، همه وقت و سرمایه مادی خود را در انجام یک کاری هزینه کرده، ولی به نتیجه نرسیده است، در این گونه موارد، چون بینش آن شخص به استخاره، درست نیست، فلذا ممکن است نسبت به این سنت بدبین شود و حتی احتمال دارد نسبت به سایر مقدسات و سنت های اسلامی نیز حالت بدبینی به او دست دهد و به تدریج، نوعی سنت زدگی برای او حاصل شود.

به عبارتی دیگر، چون استخاره کننده گمان می کند که در سنت استخاره، بایستی هر آنچه که او در ذهن خود گرفته بود، عملی می شد؛ یعنی اگر جواب خوب آمده، پس باید همه خواسته های او عملی می گشت و هیچ مشکلی برای او پیش نمی آمد، فلذا این سنت، انتظار او را برآورده نخواهد نمود و او به تدریج، از این سنت و سایر سنت های اسلامی زده شده و گریزان خواهد شد و در نهایت، موجب تضعیف ایمان و روحیه توکل او نسبت به خداوند خواهد گشت.